

Self-referentiality in the Qur'anic Text: "Binarity" as a Rhetorical Tool

Morteza Salmannejad

Amir Hosin Hosinzadeh

1.PhD in Quranic and Hadith Sciences, Ferdowsi University, Mashhad, Iran (Corresponding Author). msnd66@gmail.com

2.M.A. Student of Quranic and Hadith Sciences, Imam Sadiq University, Tehran, Iran. ah.hoseinzade@isu.ac.ir

Orgina Research

Received:

2022-12-03

Accepted:

2023-02-04

Keywords

Qur'ān;
Binarity;
Opposition;
Self-Referentiality;
Argumentation;
Intention of the Autho.

Abstract: Self-referential discourse, i.e. the discourse of the Qur'ān about itself, is omnipresent in the Qur'anic text. Interestingly, it uses several strategies of argumentation and several rhetorical tools in order to persuade the listener or the reader to adhere to a specific understanding of what the Qur'ān is: an understanding leading to faith. Based on an extensive study of the self-referential discourse in the Qur'ān, this paper focuses on the importance of one of the rhetorical tools: "binarity." This notion goes beyond the simple notion of "pairs" and is characterized by a clear-cut opposition ongoing in the whole text between elements of all kinds of domains and mainly in relation to biblical material. Contrary to what it may seem at first glance, "binarity" in the Qur'ān is far from being related to a dualist religious system. On the contrary, a close analysis shows that the use of "binarity" in the text emphasizes the exceptional character of the Qur'ān in relation to its divine origin. The function of "binarity" appears in all its rhetorical strength in the impression conveyed upon the listener or reader. Following the path of the works of contemporary scholars who used literary, structural, and argumentative analysis, this paper also aims at convincing the reader of the fruitfulness of rhetorical studies of the Qur'ān.

خودارجاعی در قرآن کریم؛ «زوج واژگان تقابلی» به مثابه ابزار بلاغی^۱

مرتضی سلمان نژاد^۱ امیرحسین حسین زاده^۲

۱. دانش آموخته دکتری علوم قرآن و حدیث، دانشگاه فردوسی، مشهد، ایران (مترجم مسئول)

msnd66@gmail.com

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد پیوسته علوم قرآن و حدیث، دانشگاه امام صادق علیه السلام، تهران، ایران

ah.hoseinzade@isu.ac.ir

چکیده: گفتمان «خودارجاعی»^۲، یعنی گفتمان قرآن درباره خودش، در جای جای قرآن کریم مشهود است. جالب اینکه قرآن کریم با بهره بردن از استدلالات متنوع به همراه گونه‌های مختلف بلاغی تلاش دارد که مخاطبین خود را متقاعد نماید تا برداشت خاصی نسبت به چیستی قرآن داشته باشند: ایجاد فهمی که به ایمان منتهی گردد. با توجه به مطالعات انجام شده در زمینه گفتمان خودارجاعی در قرآن کریم، این مقاله بنا دارد بر اهمیت «زوج واژگان تقابلی»^۳ به عنوان یکی از ابزارهای بلاغی قرآن تأکید نماید. این مفهوم فراتر از مفهوم ساده «زوج‌های واژگانی»^۴ است و با تقابل واضحی که در کل متن بین نمادهای حوزه‌های مختلف و عمدتاً در رابطه با مطالب کتاب مقدس در جریان است، روشن می‌گردد. برخلاف آنچه در نگاه اول به نظر می‌رسد، «زوج واژگان تقابلی» در قرآن با نظام دینی دوگانه^۵ ارتباطی ندارد؛ به عکس، یک تحلیل دقیق نشان می‌دهد که استفاده از «زوج واژگان تقابلی» در متن بر ویژگی استثنایی قرآن در رابطه با منشأ الهی آن تأکید دارد. کارکرد «زوج واژگان تقابلی» با تمام ظرفیت بلاغی خود در تأثیری که به مخاطب منتقل می‌شود، ظاهر می‌گردد. این نوشتار با پیجویی آثار محققان معاصر که از تحلیل‌های ادبی، ساختاری و استدلالی بهره برده‌اند، بر آن است تا خواننده را به ثمربخشی مطالعات بلاغی قرآن متقاعدسازد.

صص: ۱۶۸-۱۴۳

مقاله: ترجمه

تاریخ دریافت:

۱۴۰۱/۰۹/۱۲

تاریخ پذیرش:

۱۴۰۱/۱۱/۱۵

کلید واژه‌ها:

قرآن؛

زوج واژگان

تقابلی؛

خود ارجاعی؛

استدلال؛

غرض نویسنده.

۱. مقاله حاضر ترجمه «Self-referentiality in the Qur'anic Text: "Binarity" as a Rhetorical Tool» است (Boisliveau, 2014, pp. 55-74).

۲. محمد باعزم در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود با عنوان «معناکاوی واژه کتاب در خوداستنادی قرآن کریم»؛ نقد روش‌شناسانه کتاب «قرآن به روایت قرآن»^۶، این اصطلاح (Selfreferentiality) را به خود استنادی ترجمه کرده است. مترجمان معتقداند که برای تفکیک Selfreferentiality از Selfcitation، مناسب‌تر و دقیق‌تر آن است که به ترتیب به «خود ارجاعی» و «خود استنادی» ترجمه گردد.

3. Binarity

4. Pairs

5. Dualist Religious System

مقدمه

تمرکز این مقاله بر موضوع «زوج واژگان تقابلی» است. «زوج واژگان تقابلی» از جمله ابزارهای است که در مطالعات مرتبط با گفتمان خودارجاعی در قرآن کریم، بسیار راهگشا است. یادکرد خاستگاه تاریخی موضوع خودارجاعی می‌تواند تصویر واضح‌تری از این پژوهش‌ها را در فضای غرب برای مخاطبان فراهم آورد.

بارقه‌های خودارجاعی در محافل دانشگاهی غرب از دیرباز وجود داشت، اما به‌صورت دقیق و رسمی موضوع خودارجاعی در قرآن کریم نخستین بار در سمینار برلین در سال ۲۰۰۴ میلادی مطرح شد و طبیعتاً ادعایی برای برون‌داد این موضوع نداشت و علاقه‌مندان به این موضوع، تاریخی‌سازی متن قرآن را در دستور کار خود قرار دادند. ابعاد تاریخی این موضوع با ایده فرامتنیت قرآن کریم گره خورده و بر نقش قرآن به‌عنوان عملکرد، قرائت و عامل تعیین‌کننده یک جامعه تأکید می‌کند (باعزم، ۱۳۹۷، ص. ۳). حاصل این پروژه، کتابی شد که در سال ۲۰۰۶ میلادی با عنوان «خودارجاعی در قرآن کریم»^۱ به همراه مقاله‌هایی از برترین پژوهشگران قرآن‌پژوه بود. این مقاله‌ها عبارتند از:

1. Wild, Stefan, Why Self-Referentiality?
2. Hoffmann, Thomas, Agonistic Poetics in the Qur'an: Self-Referentialities, Refutations, and the Development of a Qur'anic Self.
3. Madigan, Daniel, The Limits of Self-referentiality in the Qur'an.
4. Sinai, Nicolai, Qur'anic Self-Referentiality as a Strategy of Self-Authorization.
5. Avesdropping on the Heavenly Assembly and the Protection of Revelation from Demonic Corruption.
6. Oral Scripture in Contact. the Quranic Story of the Golden Calf and its Biblical Subtext. Narrativ, Cult, and Inter-Communal Debate.

در ایران برای نخستین بار محمد باعزم در یک سال (۱۳۹۷) اقدام به انتشار سه اثر در این حوزه کرد. نخست باید به پایان‌نامه کارشناسی ارشد ایشان با عنوان «معناکاوی واژه «کتاب» در خوداستنادی قرآن کریم؛ نقد روش‌شناسانه کتاب «قرآن به روایت قرآن»» در دانشگاه امام صادق علیه‌السلام اشاره کرد. در ادامه کتاب «خوداستنادی در قرآن کریم» توسط

انتشارات مناره به چاپ رسید و سرآخر باید از مقاله «گفتمان خوداستنادی قرآن کریم در اندیشه آن سیلوی بولیوی» یادکرد که در مجله نقد و بررسی کتاب، سال بیست و نهم، شماره دوم به کتاب‌شناسی توصیفی اثر آنی سیلوی بولیوو پرداخته است. مقاله حاضر به زبان انگلیسی برگرفته از کتاب آنی سیلوی بولیوو است که تاکنون در ایران ترجمه نشده است.

۱. معرفی نویسنده مقاله

آنی سیلوی بولیوو^۱، دکتری اسلام‌شناسی (مطالعات عربی) از دانشگاه اکس - ماری و پژوهشگر مؤسسه تحقیقات و پژوهش‌های جهان عرب و اسلام واقع در اکس آن پروانس است. وی استاد دانشگاه گرونینگن، متخصص مطالعات قرآن و اسلام، تاریخ صدر اسلام، متون مقدس، نقد متون و زبان عربی است. میزان علاقه وی به زبان عربی در کلام خودش در مصاحبه‌های مختلفی که انجام داده است، گویای اهمیت این دانش در نگاه مؤلف است. او نگارنده کتاب «قرآن به روایت قرآن: واژگان و مجادلات قرآنی ناظر به خود قرآن»^۲ است و به دلیل انتشار همین کتاب، در بیست و دومین جایزه جهانی کتاب سال جمهوری اسلامی ایران در سال ۲۰۱۵ میلادی حائز رتبه شد. او همچنین از نگارندگان مقالات در مجموعه «LeCorandes Historiens» است. از دیگر پژوهش‌های او می‌توان به نگارش مقاله‌های ذیل اشاره کرد:

1. Mahomet between Exegesis, Hagiography, Rite and History.
2. Qur'ānic Discourse on the Bible: Ambivalence and taḥrīf in the Light of Self-Reference.
3. Quranic Presentation of Ancient Prophetic Messages: the Attitude of Kufr Denounced.
4. "Word" and "Recitation": Aspects of the Self-Referential Vocabulary of the Koran", in Orality and Writing in the Bible and the Koran. Proceedings of the International Conference of Aix-en-Provence
5. The Self-Referential Discourse in the First Meccan Suras

1. Dr. Anne-Sylvie Boisliveau

2. Le Coran Par lui-même: Vocabulaire et Argumentation du Discours Coranique Autoréférentiel

6. Polemics in the Koran: The Koran's Negative Argumentation Over its Own Origin
7. The Concept of Revelation in Islam, from the Book of Traditions of al-Bukha r

پژوهش‌های او در زمینه اسلام‌شناسی و فلسفه عرب، تاریخ کشورهای اسلامی، تاریخ متون اسلامی (قرآن، سیره، حدیث، تفسیر و...) و روابط میان اسلام، یهودیت و مسیحیت (مطالعات ادیان) است. او در برنامه‌های چندجانبه‌ای چون سلسله کنفرانس‌های «جمع-آوری، نگارش و انتقال قرآن در قرن اول اسلام» و در برنامه تحقیقاتی «INTER-RELIGIO» به‌عنوان نماینده دانشگاه استرازبورگ حضور فعالانه‌ای داشته‌است. از جمله فعالیت‌های اجرایی و پژوهشی او می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

۱. از سال ۲۰۱۹ میلادی مسئول دوره «تاریخ و تمدن جهان اسلام» دانشکده علوم تاریخی دانشگاه استرازبورگ؛
۲. عضو «مؤسسه تاریخ اسلام» دانشکده علوم تاریخی دانشگاه استرازبورگ؛
۳. عضو «مؤسسه IQSA»؛
۴. عضو هیأت تحریریه در نشریات *the Bulletin Critique des Annales Islamologiques*، *JIQSA*؛ *the journal Archim`de* و *MIDEO*؛
۵. از سال ۲۰۱۹ الی ۲۰۲۲ هماهنگ‌کننده علمی سمینار «مطالعات اسلامی: رویکردهای متفاوت در زمانی».
۶. از سال ۲۰۲۰ الی ۲۰۲۱ هماهنگ‌کننده علمی دوره «تلاوت در اوایل امپراتوری اسلامی (قرن ۷-۹) متون، روش‌ها و مسائل»^۱.

۲. ترجمه مقاله

۲-۱. مقدمه

۱. برای کسب اطلاعات بیشتر به صفحه شخصی آنی سیلوا در دانشگاه استرازبورگ مراجعه نمایید:
<https://archimede.unistra.fr/laboratoire/membres/membres-titulaires/anne-sylvie-boisliveau/>

امروزه، یک رویکرد فقه‌اللغوی^۱ متجددانه نسبت به قرآن کریم از سوی دانشمندان مسلمان و غیرمسلمان در دانشگاه‌ها در حال گسترش است. یکی از پویاترین جنبه‌های این امر، بررسی ابزارهای بلاغی به‌کاررفته در متن قرآن است که یکی از آنها مفهوم «تقابل^۲» است. در واقع در قرآن، بسیاری از اصطلاحات به‌صورت زوج(های واژگانی)^۳ مطرح شده‌اند؛ برخی از آنها در تقابل با یکدیگر هستند و برخی دیگر صرفاً زوج^۴ یا دو اصطلاح هستند^۵. در پژوهش حاضر به بررسی زوج(های واژگانی) متقابل و به‌طورکلی مفهوم تقابل پرداخته‌ایم. مراد ما از اصطلاح «زوج واژگان تقابلی» این است که قرآن کریم واژگان را در دو طبقه دسته‌بندی می‌کند: یکی ایجابی و دیگری سلبی؛ لذا در این مورد، با کوپرس^۶ که از اصطلاح "Binarity" برای تعیین زوج(های واژگانی) استفاده می‌کند، متفاوت هستیم.^۷

در ادامه رویکردهای نوین ادبی نسبت به قرآن کریم، پژوهش حاضر به بررسی نظام واژگان تقابلی قرآن پرداخته و نشان خواهد داد که «زوج واژگان تقابلی» چه کارکردی دارد، با پرسش از اینکه مراد نویسنده چه بوده است (در مورد اصطلاح «نویسنده» توضیح داده خواهد شد)؛ همچون سایر پژوهش‌های قرآنی، رجوع ما به تفاسیر کلاسیک و قدیمی قرآن کریم، محدود و به‌ضرورت بوده اما ارجاع به خود متن قرآن بسیار زیاد بوده است؛ همچنین به لغت‌نامه‌های متقدم هم به‌وقت ضرورت رجوع شده است. همان‌طور که اندرو ریپین^۸ آگاهانه بدان توجه داده، خطر این نوع مطالعه که مستلزم تلاش برای «بازگشت به متن» است، به‌احتمال زیاد به تحمیل درک ذهنی جدید - پاسخ خواننده - به متن می‌انجامد^۹. با این وجود، به‌نظر می‌رسد که این نوع مطالعه فی‌نفسه دارای ارزش است، تا

2. Philological Approache

3. Opposition

4. in Pairs

1. Couples

2. Sabine Schmidtke, "Pairs and Pairing," in McAuliffe (ed.) *Encyclopaedia of the Qur'ān* (Leiden: Brill Academic Publishers, 2004), IV, 1-9.

3. Cuypers

4. Michel Cuypers, *La Composition du Coran: Naẓm al-Qur'ān* (Pend : Gabalda, 2012), 27-28.

5. Andrew Rippin

6. Andrew Rippin, "The Qur'an as Literature: Perils, Pitfalls and Prospects", *Bulletin of the British Society for Middle-Eastern Studies* X, I (1983), 38-47.

زمانی که تمام اقدامات احتیاطی^۱ ممکن به منظور کاهش ذهنیت (پژوهشگر) به حداقل آن برسد. علاوه بر این، پیش فرض اساسی این است که «نویسنده (گان)»^۲، اقدام به انتخاب واژگان به صورت تصادفی نکرده‌اند، بلکه هدفمندانه انتخاب گردیده و نمایانگر آن است که نویسنده (گان) متن قصد داشته، چه نوع ایده‌هایی را ابلاغ کند: نویسنده یک غرض اساسی از نگارش این اثر داشته و بیشتر برداشت‌ها از متن باید در قالب همین غرض باشد.

استعمال اصطلاح «نویسنده» نیازمند توضیح بیشتر است. براساس آموزه‌های اسلامی، قرآن توسط خداوند بر پیامبرش نازل شد و او نیز با رعایت امانت و صداقت کلام الهی را به مردم انتقال داد؛ بعدها این تعالیم به صورت مکتوب در آمده و سپس توسط ایشان در یکجا جمع‌آوری گردید. مسلمانان معتقداند که قرآن کریم از جانب باری تعالی نازل شده است، البته پژوهش‌های معاصر نیز این مسأله را رد نمی‌کنند. در واقع پژوهش‌های عصر حاضر به این موضوع تنها به عنوان یک نظریه یا یک اعتقاد^۳ نگاه می‌کنند؛ نه به عنوان امری که در مجامع علمی قابل طرح و بررسی باشد. مسائلی همچون وحی، اثبات وجود خداوند و ماهیت ذات خداوند و... خارج از حوصله بحث‌های آکادمیک معاصر است، زیرا این پژوهش‌ها به صورت بین‌المللی و تکثرگرایانه^۴ هستند؛ این بدین معناست که محققان با هر نوع پیشینه اعتقادی و مذهبی، در زمینه مطالعات ادیان و مذاهب می‌توانند وارد شوند و اظهار نظر نمایند. به اعتقاد بنده محققان باید به مخاطب خود اجازه دهند تا با هر اعتقاد دینی و مذهبی (یا حتی بدون هیچ اعتقاد خاصی) بتوانند از محصولات علمی ارائه شده، استفاده کرده و بهره کافی را ببرند. در واقع در دیگر چارچوب‌های توسعه تفکر عقلانی و منطقی، مثلاً در الهیات یا علوم درون دینی^۵، جزمیات دینی^۶ را در نتایج تحقیقات خود وارد می‌کنند، حال آنکه در چارچوب تکثرگرایانه پژوهشگران جهان، نباید این جزمیات را بر خوانندگان تحمیل کرد. واقع شدن در یک آکادمی بین‌المللی همه‌گیر و برخوردار بودن از حجم گسترده‌ای از مخاطبان مختلف، سبب شده است تا در این مقاله از اصطلاح «نویسنده (گان)» استفاده کنیم تا احیاناً عقیده دینی را بر مخاطب تحمیل نکرده باشیم. برای اینکه به فهم بی‌طرفانه‌ای از مقوله‌های

7. Possible Precautions

8. Author(s)

1. as an Idea, as a Belief

2. Pluralistic

3. Intra-Religious Sciences

4. Religious Dogmas

«منبع^۱» یا «منشأ^۲» یا «قصد^۳» در زمینه قرآن برسیم باید به یک بررسی روشمند^۴ نسبت به عقاید و مفاهیم بپردازیم.

در ادامه مقاله نخست اصطلاح «زوج واژگان تقابلی» را توضیح خواهیم داد، سپس کاربرد آن را در متن قرآن کریم نشان داده و نهایتاً به بررسی میزان تطابق این موضوع با گفتمان قرآن خواهیم پرداخت.

۲-۲. «زوج واژگان تقابلی» در قرآن کریم

از همان ابتدای قرآن کریم در سوره «فاتحةالکتاب» زوج واژگان تقابلی به چشم می‌خورند: صراط مستقیم در مقابل به گمراهی رفتن (مغضوب علیهم)، اقبال و انعام خداوند در مقابل غضب الهی؛ همچنین در آخرین سوره قرآن نیز این دسته از واژگان به چشم می‌آیند: آنجایی که مؤمنان از خداوند می‌خواهند که از شر وسواس الخناس آنها را حفظ کند، در واقع مراد پناه بردن به خداوند در مقابل متضرر شدن از شیطان است. برای توضیح «زوج واژگان تقابلی» در قرآن کریم طبقه‌بندی آن براساس حوزه‌های معنایی اش^۵ مفید است.

آنچه که در ادامه خواهید دید، فهرستی ابتدایی و غیرجامع از اصطلاحات و ریشه‌های مربوط به این حوزه است که به‌ضمیمه معنی اصلی آنها ذکر شده است. اعدادی که در کنار هر ریشه آمده تعداد تقریبی بسامد همان واژه (یا همان ریشه) است. هدف از اینکار نمایش شمای کلی از فراوانی این اصطلاحات در سور قرآن است. البته محدودیت‌های مقاله، مجال پرداختن به تمام تفاوت‌های ظریف واژگانی را که در هنگام انجام این تحقیق با آنها کار کردم، نمی‌دهد.

1. Source

2. Origin

3. Will

4. Intra-Religious Sciences

5. Semantic Fields

۱-۲-۲. زوج واژگان تقابلی «صراط مستقیم و به‌گمراهی رفتن»^۱

جدول (۱): نمایی از زوج واژگان تقابلی «صراط مستقیم و به‌گمراهی رفتن» در قرآن کریم

تعداد	منفی	تعداد	مثبت
۱۹۶	ضَلَّ، ضَالٌّ، ضَالُونَ و...: بیراهه رفتن، گم‌شدن	۳۱۵	هُدًى، هُدًى و...: هدایت کردن، مسیر صحیح و...
-	-	۱۴۰	سَبِيلٌ، سُبُلٌ: راه
-	-	۴۵	صراط
-	-	۳۳	صراط مستقیم: مسیر صحیح
۲۳	عَيٌّ و...: اشتباه کردن، بیراهه رفتن	۱۹	رَشَدٌ و...: راهنمایی به مسیر صحیح
۹	عَوَجٌ: انحراف	۳	سَوِيٌّ: مستقیم

از میان نمونه‌های بسیار به موارد ذیل می‌توان اشاره کرد:
 «وَالَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا صُمْ وَبُكُّم فِي الظُّلُمَاتِ مَنْ يَشِئُ اللَّهُ يَضِلُّهُ وَ مَنْ يَشِئُ يَجْعَلُهُ عَلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ»^۲ (انعام: ۳۹).
 «قَالَ اهْبِطَا مِنْهَا جَمِيعًا بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ فَإِمَّا يَأْتِيَنَّكُمْ مِنِّي هُدًى فَمَنِ اتَّبَعَ هُدَايَ فَلَا يَضِلُّ وَلَا يَشْقَى (۱۲۳) وَ مَنْ أَعْرَضَ عَن ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا وَ نَحْشُرُهُ يَوْمَ الْقِيَمَةِ أَعْمَى»^۳ (طه: ۱۲۴).

همه «زوج واژگان تقابلی» قرآن کریم در تقابل تام^۴ نسبت به یکدیگر نیستند، اگرچه اصطلاحات اصلی هر حوزه در تقابل تام^۵ نسبت به یکدیگر به‌سر می‌برند، زوج واژگان

1. Right Path Versus Going Astray

۲. و کسانی که آیات ما را تکذیب کردند گزند و گنجد و اندر تاریکی‌ها. کسی را که خدا می‌خواهد گمراهش می‌کند و کسی را که می‌خواهد او را بر راه راست قرار می‌دهد (انعام: ۳۹).

۳. پس وقتی از جانب من (دین مایه) هدایتی به شما رسد هر که پیروی دین مایه هدایت مرا کند او نه گمراه شود و نه به سختی (و بدبختی) افتد، (۱۲۳) و هر که روی از پند من بگرداند بیگمان او زیستی با تنگدستی و بینوایی خواهد داشت (طه: ۱۲۴).

4. Strictly Oppose

5. Corresponding Opposite

تقابلی «ضلال» و «هدی» (که اصطلاح اصلی این حوزه هستند) متقابل تام‌اند؛ بنابراین حوزه‌های معنایی گاهی باهم هم‌پوشانی دارند.

کاربردهای دیگر حکایت از آن دارد که این مفاهیم به‌صورت بیشینه براساس معنای تحت‌اللفظی،^۱ مناسب تلقی نمی‌شوند بلکه به معنای انتزاعی و ثانویه^۲ آن به کار می‌روند: راه درست (صراط مستقیم) و راه ضلالت بر این است که خداوند مخاطب را هدایت می‌کند یا خیر.

۲-۲-۲. زوج واژگان تقابلی «تاریکی و روشنایی»^۳

جدول (۲): نمایی از زوج واژگان تقابلی «تاریکی و روشنایی» در قرآن کریم

تعداد	منفی	تعداد	مثبت
۲۳	ظلمات: تاریکی	۴۹	نور: روشنی؛ منیر: روشنی‌بخش
		۳	ضیاء: روشنایی
۱۲	ع م ی: کوری	۵	بصائر: دید واضح
		۳۴۷	ب ی ن: واضح و روشن
		۴۳	ف ص ل: فاصله انداختن
		۶۵	ف ر ق: جداکردن
۶۸	ظن: اندیشه و گمان مبهم	۸	برهان: بیان واضح، بحث سرنوشت‌ساز

حوزه معنایی زوج واژگان تقابلی «نور و تاریکی»، بیشتر با معنای ثانویه و انتزاعی درگیر است تا معنای اصلی و لغوی. به‌عنوان مثال مراد از نابینایی در اینجا گمراهی و عدم هدایت است: «وَمَنْ يَهْدِ اللَّهُ فَبِهِدِّ الْمُهْتَدِ وَ مَنْ يَضِلُّ فَلَنْ تَجِدَ لَهُمْ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِهِ وَ نَحْشُرُهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَلَىٰ وُجُوهِهِمْ عُمِّيًّا وَ بُكْمًا وَ صُمًّا مَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ كُلَّمَا خَبَتْ زِدْنَاهُمْ سَعِيرًا»^۴ (اسراء: ۹۷).

1. Literal Meaning

2. Abstract and Secondary Meaning

3. Light vs. Darkness

4 و هر کس که خدا هدایت کند او هدایت یافته است، و آن کس را که گمراه کند پس برای آنان در برابر خدا یارانی نیایی؛ و در دوران رستاخیز آنان را بر اساس طبیعت‌شان برانگیزیم نابینا و گنگ و کر، جایگاه‌شان دوزخ باشد، هرگاه فروکش کند آتش آنان را بیافزاییم (اسراء: ۹۷).

میان این دسته از زوج واژگان تقابلی و گروه سابق، هم‌پوشانی وجود دارد، چراکه نور وسیله‌ای است که سبب می‌شود افراد به مسیر صحیح بروند. درواقع این استدلال^۱ پیام الهی را به‌عنوان چراغی معرفی می‌کند که در مسیر افراد قرار می‌گیرد.

۳-۲-۲. زوج واژگان تقابلی «نعمت و نعمت» و «ثواب و عقاب»^۲

جدول (۳): نمایی از زوج واژگان تقابلی «نعمت و نعمت» و «ثواب و عقاب» در قرآن کریم

تعداد	منفی	تعداد	مثبت
۹+۲۸	صُرَاء، صُر / صُرُ: مصیبت	۷۸	رَحْمَة: موهبت الهی
۳۴+۲۱	سَيِّئَة، سَيِّئَات: بلا	۳۶	نعمه: نعمت
۲۵+۴	بُئْس، بُئْسَاء: فاجعه	۲۷	حسنة: نیکی
۳	رَجَس: فاجعه	۸۱	فضل: خوبی
۳۶	شَر: مصیبت	۱۷۵	خیر: خوب
-	-	۳۴	آلاء: نعمت‌ها
-	-	۳۱	حسنة، حسنات
۱۳	مرض: بیماری	۴	شفاء: سلامتی
۳۱۵	عذاب: آسیب‌رساندن	۳۱	جزاء: نتیجه عمل
۲۰	عقاب: شکنجه دادن	۱۱+۲	ثواب، مثوبة: پاداش
-	-	۹۳	أجر: پاداش
-	-	۱۴	بشری: خبرهای امیدبخش
۶	وعید: وعده عذاب دادن	۴۹	وعد: قول دادن
۶۷	امر: دستور	-	-

1. Argumentation

2. Godsend vs. Calamity and Reward vs. Punishment

این دسته از زوج واژگان تقابلی در مورد افعال الهی است: خداوند چیزهای مثبت یا منفی را به اراده حاکم^۱ یا به عنوان پاداش یا کیفر عطا می کند. این حوزه معنایی یکی از قوی ترین «زوج واژگان تقابلی» است که به توضیح تقابل شدید بین بهشت و جهنم در آخرت می پردازد.

۴-۲-۲. زوج واژگان تقابلی «ایمان در مقابل کفر و بی تقوایی»^۲

جدول (۴): زوج واژگان تقابلی «ایمان در مقابل کفر و بی تقوایی»

تعداد	منفی	تعداد	مثبت
۴۵۰	کُفر، کَفَر، کافِرون و...: بی ایمانی	۸۰۳	ایمان، آمنوا، مؤمن...: اعتقاد داشتن
۱۶۶	شِرک، اَشْرَک، مُشْرِک، شُرکاء و...: همکاری کردن	۱۲۶	تقوا، متقون: تقوا داشتن
-	-	۷۲	اسلام، مسلمون و...: تسلیم بودن
۲۴۵	ظَلَم، ظالمون: ستم کاری	۱۲	صالح: درستکار
۵۲	مجرمون: تبهکاران	-	-
۳۸	فاسقون: گمراهان	۱۹	حَسَن: خوبی
۳۳	سوء، سیئة و...	۶۰	صادقون: راست گویان
۱۵	شک: دودلی	۲۶	شهداء، شاهد، شهادت: گواه
۳۵	زَیْب: عدم یقین	۸	یقین: مطمئن بودن
۱۹	مریة: شک	۲۴۷	حق: راستی و درستی
-	-	۱۰۵	علم: دانایی
۱۸	ظن: شکاکانه اندیشیدن	-	-
۲۴۷	کاذب، کذاب و...: دروغ گو	-	-
۲۷	منافقون: ریاکاران	-	-

3. Sovereign Will

1. Faith vs. Refusal, Impiety

۲۶	إفک: بهتان	-	-
۶۰	إفتراء: دروغ بستن	-	-

مفهوم ایمان در قرآن کریم در مقابل بی‌تقوایی و شرک بسیار مهم است و رفتار درست در مقابل ظلم، دروغ و ریا است.

این ارائه از چهار حوزه معنایی که به‌وضوح به دو طرف تقابل تقسیم‌شده است، قدرت زوج واژگان تقابلی را در قرآن نشان می‌دهد. در آیه زیر واژگان مثبت چهار دسته از زوج واژگان تقابلی در قرآن به‌کار برده شده است: روشنایی / وضوح، عنایات الهی و سپس هدایت و نهایتاً ارتباط همه آنها با ایمان: «يَأْيِهَ النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمْ بُرْهَانٌ مِّن رَّبِّكُمْ وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكُمْ نُورًا مُّبِينًا» (۱۷۴) فَأَمَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا بِاللَّهِ وَاعْتَصَمُوا بِهِ فَسَيُدْخِلُهُمْ فِي رَحْمَةٍ مِّنْهُ وَفَضْلٍ وَيَهْدِيهِمْ إِلَيْهِ صِرَاطًا مُسْتَقِيمًا»^۱ (نساء: ۱۷۵).

فهرست ارائه شده در بالا هرچند که به احصای تام نپرداخته بود، اما یک برداشت اولیه مناسبی از گستره «زوج واژگان تقابلی» در قرآن کریم به ما می‌دهد. اما باید توجه داشت که «زوج واژگان تقابلی» تنها یک مبحث واژگانی نیست.

۳-۲. کارکردهای «زوج واژگان تقابلی»

نخست باید تصریح کرد که قرآن کریم وجود «زوج واژگان تقابلی» را تصدیق می‌کند؛ به‌عنوان نمونه (آیات ۱۹ تا ۲۲ سوره فاطر) چند عبارت نشان می‌دهد که «نویسنده» به‌وضوح از استفاده‌اش از کلمات یا مفاهیم تقابلی در استدلال خود بهره برده است: «وَمَا يَسْتَوِي الْأَعْمَىٰ وَ الْبَصِيرُ» (۱۹) «وَلَا الظُّلُمَاتُ وَلَا النُّورُ» (۲۰) «وَلَا الظُّلُّ وَلَا الْحُرُورُ» (۲۱) «وَمَا يَسْتَوِي الْأَحْيَاءُ وَلَا الْأَمْوَاتُ إِنَّ اللَّهَ يُسْمِعُ مَن يَشَاءُ وَ مَا أَنْتَ بِمُسْمِعٍ مَّن فِي الْقُبُورِ»^۲ (نساء: ۲۲).

۱. «ای مردم، در حقیقت برای شما از جانب پروردگارتان برهانی آمده است؛ و ما به سوی شما نوری تابناک فرو فرستاده‌ایم (نساء: ۱۷۴). اما کسانی که به خدا گرویدند و به او تمسک جستند، به زودی [خدا] آنان را در جوار رحمت و فضلی از جانب خویش درآورد، و ایشان را به سوی خود، به راهی راست هدایت کند» (نساء: ۱۷۵).

۲. نابینا و بینا یکسان نیستند (۱۹) و نه تاریکی با روشنایی (۲۰) و نه سایه خنک با گرمای سوزان یکسان است (فاطر: ۲۱). و نه زندگان با مردگان یکسانند (فاطر: ۲۲).

تصدیق آشکار زوج واژگان تقابلی در قرآن کریم حکایت‌گر آن است که این موارد تصادفی نیستند «نویسنده» کاملاً از کاربرد آن آگاه بود و هدف خاصی را از کاربرد آنها دنبال می‌کرده است. پیش‌فرض روش‌شناختی من، مبنی بر اینکه مطالعه مراد نویسنده سزاوار توجه خاصی است به‌صورت جالبی در اینجا اثبات می‌گردد.

به‌علاوه در ادامه این آیات از این تقابل استفاده می‌شود تا توضیح دهد که برخی از مردم نمی‌توانند پیام انبیاء را درک کنند زیرا آنها مانند مردگان هستند: آنها قادر به ایمان آوردن نیستند. «زوج واژگان تقابلی» این متن کارکرد تبیین‌کنندگی روشنی از رفتار مؤمنان دارد که هرگز قابل‌مقایسه با رفتار کافران نیست. اما مسأله این است که کارکردهای «زوج واژگان تقابلی» در قرآن فقط در همین حد است یا فراتر از آن می‌رود؟

۱-۳-۲. «زوج واژگان تقابلی» به‌مثابه ساختار بنیادی قرآن کریم

نخست رجوعی به تاریخچه این مطالعات در میان محققان معاصر داشته باشیم. ایزوتسو، توئل و مادیگان^۱ در زمینه روابط معنایی اصطلاحات قرآن کریم به بحث و تحقیق پرداخته‌اند. ایشان در روند مطالعات خود با زوج واژگان تقابلی قرآن کریم روبرو شدند اما از این اصطلاح استفاده نکرده‌اند. ایزوتسو در کتاب خود بیان می‌دارد که قرآن به‌مثابه جهانی است که تقابل، جزء ضروری آن است:

«از دیدگاه معناشناسانه، می‌توان قرآن را به‌عنوان یک نظام مبتنی بر درک تقابل معرفی نمود. در واقع، جهان‌بینی قرآنی به‌عنوان یک سیستم ساخته‌شده براساس اصل تقابل مفهومی، نشان داده می‌شود» (Izutsu, 1964, p. 74).

ایزوتسو در ادامه «زوج واژگان تقابلی» قرآن را در قالب چهار گروه دسته‌بندی می‌کند: اول، تقابل بین رب و عبد؛ دوم، تقابل بین اهل کتاب و اُمّیون. وی ادامه می‌دهد: «قرآن کریم مردمان دوره ماقبل اسلام را به دو گروه تقسیم می‌کند: اهل کتاب و اُمّیون (مراد همان افرادی هستند که کتاب آسمانی را دریافت نکرده‌اند). و بین این دو گروه تقابل جدی وجود دارد که در آیات متعدد ذکر شده است. به‌عنوان مثال: «فَإِنْ حَاجُّوكَ فَقُلْ أَسَلَمْتُ وَجْهِي لِلَّهِ وَمَنِ اتَّبَعَنِي وَقُلْ لِلَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ وَالْأُمِّيِّينَ أَسَلَمْتُمْ فَإِنْ أَسَلَمُوا فَقَدِ اهْتَدَوْا وَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّمَا عَلَيْكَ الْبَلَاغُ وَاللَّهُ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ» (آل عمران: ۲۰).

1. Izutsu (1964), Toelle (1999), Madigan (2001)

2. God and Man

وی بیان می‌دارد که قرآن کریم همچنین تقابل بین جهان دیدنی (دنیا) و جهان نادیدنی (غیب)، یا دنیا و آخرت را مدنظر دارد.^۱

مادیگان (۲۰۰۱) در موضوع معناشناسی واژه «کتاب» در قرآن کریم تمرکز کرده است. او مدعی است که برای این کلمه، تقابلی در قرآن کریم ذکر نشده است. در واقع ایشان به مسأله «زوج واژگان تقابلی» اهتمام چندانی نداشته است، البته وی تقابل برخی اصطلاحات خاص قرآن کریم را یادآور شده است.^۲ در این زمینه، بنده از دو اصطلاح «کذب» و «افتراء» به عنوان واژگان تقابلی «کتاب» استفاده می‌کنم؛ البته مراد ما از این دو کلمه متنی است که اشتباهاً به خداوند نسبت داده شده باشد.

توئل (۱۹۹۹) در کتابش به مسأله عناصر اربعه (هوا، آب، خاک و آتش) در قرآن کریم پرداخته است. در ابتدا وی با توجه به تضاد بین بهشت و جهنم شروع به نگارش می‌کند و به این نتیجه می‌رسد که این تضاد با دوگانه آب و آتش ارتباط مفهومی دارد. او در نوشته-هایش از اصطلاح «دوقطبی» استفاده کرده و توضیح می‌دهد که «ویژگی‌هایی که از طریق آنها چهره جهان مطلوب و پسندیده نگریسته می‌شوند یا به عنوان مضر و مهلک رد می-گردند، همه در دو عنصر جمع می‌گردند (البته که این امر نمی‌تواند تصادفی باشد): آب به عنوان مظهر خوبی‌ها و آتش به عنوان مظهر بدی‌ها (...). که این مسأله همان «دوقطبی» است که ذکر شد^۳».

او توضیح می‌دهد که ارزش‌های منفی یا مثبتی که جوامع یا فرهنگ‌های مختلف به عناصری مانند آب یا آتش داده‌اند، متفاوت است. به عنوان مثال: «رطوبت^۴ در فرهنگ قرآنی امری پسندیده است، در حالی که در عرف غربی امری مذموم بوده. یا اینکه رنگ آسمان در قرآن «سبز» در نظر گرفته شده است، حال آنکه در عرف غربی «آبی» یا در روسیه قرن ۱۲ «طلایی» انگاشته شده است.^۵ در واقع این مثبت و منفی انگاشتن آب و آتش به اقلیم حاکم بر خاورمیانه و مخصوصاً منطقه عربستان مربوط است.»

بنابراین همان‌طور که ایزوتسو و توئل اشاره کردند، نظام «زوج واژگان تقابلی» (البته آنها این‌گونه نام‌گذاری نکردند) نه تصادفی است و نه نادر؛ بلکه ساختار بنیادین قرآن را آشکار می‌کند.

1. Izutsu, God and Man, pp. 82-89.

2. Madigan, The Qur'ān's Self-Image: Writing and Authority in Islam's Scripture.

3. Toelle, Le Coran revisit , p. 242 (my translation).

4. Humidity

5. Toelle, Le Coran Revisit , pp. 239-240

اکنون در کنار توضیحاتی که ایزوتسو، مادیگان و توئل در زمینه این دسته از تقابل‌ها ارائه کردند و به دنبال علت آن گشتند، بگذارید تا در زمینه کارکردهای «زوج واژگان تقابلی» به بحث و بررسی بپردازیم. می‌توان ادعا کرد که هدف از استعمال این دسته از واژگان را در اثراتی که بر مخاطب می‌گذارند، جستجو نمود: اصلاً شاید هدف نویسنده از انتخاب این دسته از واژگان، همان اثراتی که بر مخاطب می‌گذارد باشد. پژوهشگرانی چون ژومیر، اوروی و وارد گوئین^۱ در زمینه این تأثیرگذاری‌ها تحقیقاتی انجام داده‌اند. ژومیر معتقد است که قرآن کریم، جهان‌بینی^۲ و مفاهیم مذهبی^۳ خود را در قالب تقابل‌ها مطرح می‌کند. اوروی در مقاله خود که بعدها به صورت کتاب منتشر شد، به «فرایندهای متقاعدسازی»^۴ (که از ابداعات اوست) در مسأله نظام «زوج واژگان تقابلی» می‌پردازد (و قائل به آن است که این زوج واژگان تقابلی در همین فرایند ایفای نقش می‌کنند). تا آنجا که بنده تحقیق کردم، ژومیر اولین کسی است که اصطلاح «زوج واژگان تقابلی» را به عنوان صفتی در مورد قرآن کریم به کار برد و من استعمال این اصطلاح را وامدار او هستم. او بیان می‌دارد که در اکثر موارد به قرآن کریم در قالب یک نظام «زوج واژگان تقابلی» باید نگریسته شود. خدایی هست و غیر خدایی، کور و بینا، درست و غلط، مؤمن و کافر، معروف و منکر، بهشت و جهنم و...؛ او مدعی است که جهان‌بینی قرآن چنین است و سعی دارد که مخاطبین خود را در این بینش به سوی استدلال سوق دهد. در آخر، گوئین نیز اظهار می‌دارد که استعمال تقابل‌ها نقشی کاربردی در قرآن کریم دارند: «قرآن از بسیاری جهات یک تقابل عظیم^۵ است. بسیاری از عبارات قرآنی به عنوان مقایسه‌هایی در نظر گرفته می‌شوند که با انجام بررسی‌ها به متقابل بودن آن‌ها می‌رسیم. استدلالاتی که تحت عنوان «تقابل» گروه‌بندی شده‌اند عبارتند از تفاوت^۶، نابرابری^۷،

1. Jomie, Urvoy & Ward Gwynne

2. Worldview

3. Religious Concepts

4. Persuasive Processes

5. Enormous Contrast

1. Difference

2. Inequality

مخالفت^۱، مغایرت^۲، تناقض^۳، نقض^۴ و تضاد^۵. تمامی این اصطلاحات در یک روند یکسان نهایتاً به تفاوت هستی‌شناختی بین خیر و شر، ایمان و کفر، فضیلت و گناه می‌پردازند که ماهیت آنها توسط وحی به‌عنوان قضایای قابل‌استفاده توسط عقل و منطق معین شده است. بنابراین تقابل در قرآن اصل سازماندهی بنیادین است و «مقایسه» یکی از زیرمجموعه‌های آن است؛ این مسئله ترتیب آرایش موضوعات را در بلاغت کلاسیک معکوس می‌کند، در جایی که تقابل زیرمجموعه‌ای از مقایسه است.»

بر این اساس گوئین شرح مفصلی از تمامی اشکال بلاغی نظام «زوج واژگان تقابلی»، که او به‌عنوان تقابل^۶ از آن یاد می‌کند، ارائه می‌دهد. حتی اظهار می‌دارد که در قرآن کریم مسأله تقابل بسیار مهم‌تر از مقایسه است. شایان ذکر است که ایشان نه‌تنها در زمینه واژگان بلکه در زمینه استدلالات نیز اظهار نظر می‌کند. توجه به این گروه از پژوهشگران این ایده را که نظام «زوج واژگان تقابلی» از صرف مفردات بودن فراتر رفته است: همه استدلال در ظرف زوج واژگان تقابلی عمل می‌کند.

۲-۴. تفاوت «زوج واژگان تقابلی» با دوگانه‌انگاری^۷

در این مقطع یک نکته اساسی نیز باید ذکر گردد. برخلاف آنچه که ممکن است در اولین مواجهه به‌نظر رسد، «زوج واژگان تقابلی» در قرآن کریم با هرگونه نظام دوگانه‌انگارانه‌ای متفاوت است، درحالی‌که دوگانه‌انگاری، یک جهان‌بینی متشکل از دو طرف با نیروی تقریباً یکسان را که با یکدیگر درگیر هستند، بسط می‌دهد مانند «خیر و شر»^۸ یا «الله و ابلیس»^۹. البته در جهان‌بینی قرآن هیچ‌گاه قدرت خداوند با شیطان برابر انگاشته نمی‌شود، بلکه کاملاً برعکس، خداوند را قادر مطلق^{۱۰} می‌خواند: ادعای برتری مطلق خداوند یکتا به قدری قوی است که در جهان‌بینی قرآن هیچ دوگانگی‌ای ممکن نیست.

3. Opposition

4. Contrariety

5. Contradiction

6. Reversal

7. Antithesis

8. Contrast

9. Dualism

10. Good & Evil

11. God & the Devil

1. Omnipotent: Nothing and no one Can Ever Challenge His Authority and Power

در حالی که دوگانه‌انگاری مانع از آن می‌شود تا مردم به برابر دانستن قدرت این مفاهیم معتقد باشند. زوج واژگان تقابلی از اصطلاحات متضاد نیز استفاده می‌کند، در حالی که هدف صرفاً بلاغی است. «زوج واژگان تقابلی» از تضاد بین نمادها بدین جهت استفاده می‌کند که پیامی را در این بستر منتقل نماید. البته افرادی قبلاً بدین نکته اشاره کردند از جمله ژنویو گوبیلو^۱ که معتقد بود زوج واژگان تقابلی در قرآن منجر به یک نظام اعتقادی دوگانه نمی‌شود بلکه، با ایمان در مقابل کفر و پیامدهای آنها در آخرت، سروکار دارد.

موضوع دیگری که مفید است در اینجا بدان پردازیم، بینامتنیت^۲ است. بسیاری از عناصر مانند روایات^۳، مضامین^۴، دستورالعمل‌ها^۵ و ...، که در متون قدیمی کتاب مقدس^۶ و دیگر متون مشابه^۷ وجود دارد، در متن قرآن نیز یافت می‌شود. بررسی نسخه‌های مختلف یک روایت یا یک موضوع معمولاً در قالب ویژگی‌های جذاب و روشن‌کننده هرمتنی قرار می‌گیرد، و خصوصاً هدف هر متن را مشخص می‌کند. «بینامتنیت» استفاده قرآن کریم از محتوای کتب مقدس را خبر می‌دهد؛ و تمرکز آن بر مسائل، متفاوت است و به راحتی قابل تشخیص دادن است. امروزه مباحثی که با عنوان «زوج واژگان تقابلی» در قرآن مطرح می‌شود، همان مواردی‌اند که در کتاب مقدس و دیگر متون مشابه از آن نیز با عنوان تقابل یاد شده است. از بارزترین این نمونه‌ها، مفاهیم حقانیت و ایمان در مقابل اعمال بد و بی‌تقوایی قرار دارد که در چارچوب معادشناسی به ترتیب به بهشت و جهنم منتهی می‌شوند؛ مفهوم نور و ظلمت^۸ نیز بدین گونه است. گوبیلو همچنین خاطر نشان کرد که در استدلالات کتب مقدس نیز از زوج واژگان تقابلی استفاده شده است. همان‌طور که پیشتر ذکر شد، وی افزود که دقیقاً شبیه فرهنگ خاخامی^۹ و کاملاً متفاوت با متون مانوی^{۱۰}، قرآن کریم تنش‌های دوگانه را رد کرده است.

2. Genevi`ve Gobillot

3.. Intertextuality

4.. Narratives

5.. Themes

6.. Prescriptions

7. Ancient Biblical

8. Parabiblical Texts

9. Light & Darkness

1. The Rabbinic Tradition

2. Manichean Texts

۵-۲. «زوج واژگان تقابلی» به مثابه یک قضاوت ارزشی^۱

ویژگی بارز دیگر اینکه زوج واژگان تقابلی، به تقابل ارزشی الفاظ توجه دارد یعنی گروهی را مثبت و دسته مقابل آن را منفی معرفی کرده و با دیگری مخالفت می‌کند. با چنین «زوج واژگان تقابلی» متن در واقع در مقام قضاوت قرار می‌گیرد. متن نه تنها از یک واژه با مفهوم مثبت برای توصیف چیزی استفاده می‌کند، بلکه از واژه‌ای با مفهوم منفی نیز به عنوان مخالف خود استفاده می‌کند تا مثبت بودن چیزی را که به عنوان نماد مثبت توصیف می‌کند تقویت نماید؛ و بالعکس به منظور تقابل آنها، هر اصطلاحی از نظر معنایی که دارد، تقویت می‌شود. بنابراین، به وضوح، استفاده از «زوج واژگان تقابلی» به عنوان وسیله‌ای برای تقویت ارزش انتقال یافته به هر چیزی است.

گاهی اوقات این دوگانگی واضح، با استفاده از کنایه شکسته می‌شود: «... فَبَشِّرْهُمْ بَعْدَابِ الْآلِيمِ»^۲ (آل عمران: ۲۱). «قُلْ هَلْ أُنَبِّئُكُمْ بِشَرٍّ مِّنْ ذَلِكَ مَثُوبَةً عِنْدَ اللَّهِ مَنْ لَعَنَهُ اللَّهُ وَغَضِبَ عَلَيْهِ وَجَعَلَ مِنْهُمْ الْقِرَدَةَ وَالْحَنَازِيرَ وَعَبَدَ الطَّاغُوتِ أُولَئِكَ شَرٌّ مَّكَانًا وَأَضَلُّ عَنِ سَوَاءِ السَّبِيلِ»^۳ (مائده: ۶۰). فَكَانَ عَاقِبَتُهُمَا أَنَّهُمَا فِي النَّارِ خَالِدِينَ فِيهَا وَذَلِكَ جَزَاءُ الظَّالِمِينَ^۴ (الحشر: ۱۷).

استفاده کنایه‌آمیز^۵ از واژگان، ارزش مفهوم آن را تغییر می‌دهد (پاداش تبدیل به عذاب یا بشارت دادن تبدیل به خبر بد دادن) این عمل جایگزین مناسبی برای آوردن تقابل در متن است و چه بسا که مفهوم عبارت را واضح‌تر منتقل نماید. اما نکته اینجاست که ممکن است مخاطب در نگاه اول مفهوم کنایی الفاظ را متوجه نشود، اما با در نظر گرفتن سیاق و جهان بینی که قرآن ارائه می‌کند، مخاطب آنها را منفی می‌انگارد. صدای متن حتی حاکی از این است که بدکاران ممکن است برای رفتار خود منتظر خبر یا پاداش خوبی بوده باشند، با وجود خطای وحشتناک^۶ خود، احتمالاً آن را خوب می‌دانند. متن، خشم^۷ خود

3. Binariness Expresses a Value Judgment

۲. ... آنان را به عذابی دردناک مژده بده.

۳. بگو: آیا به شما خبر دهم از پاداشی بدتر از آن نزد خدا؟ پاداش کسانی که خدا آنان را لعنت کرده و بر آنان خشم گرفته و از آنان بوزینه و خوک ساخته است و کسانی که طاغوت را پرستیدند؟ اینان جایگاهی بدتر دارند و از راه راست گمگشته‌تراند.

۴. و فرجام هردویشان آن است که هر دو در آتش، جاوید می‌مانند؛ و سزای ستمگران این است.

7. Ironic

1. Terrible Error

2. Exasperation

را با مخاطب به اشتراک می‌گذارد، که پس از آن احساس می‌کند که این افراد شرور را به تمسخر می‌گیرد.

به‌طور خلاصه، به لطف «زوج واژگان تقابلی»، متن بیان می‌کند که چه چیزی مثبت و چه چیزی منفی است. زوج واژگان تقابلی نظر واضح «نویسنده» را به مخاطب منتقل می‌کند.

۶-۲. یک گفتمان متقاعدکننده؟^۱

آیا زوج واژگان تقابلی یک قضاوت ارزشی قانع‌کننده است؟ در مقام پاسخ می‌توان توضیح داد: اساسی‌ترین ویژگی در «زوج واژگان تقابلی» وجود تضاد بین معنای ارزشی دو نماد است که شایسته توجه است. زوج واژگان تقابلی مشابه زبان کامپیوتری و دستگاه‌های الکترونیکی عمل می‌کنند؛ در شرایطی که همه اطلاعات ترکیبی از صفر و یک (بله و خیر) است و برای آن تنها دو پاسخ متصور بوده و اندیشه افراد را محدود به همین دو گزینه می‌کنند. این محدود کردن ذهن افراد در انتخاب بین دو گزینه به همراه انتقال مفاهیم به روش یادشده، مخاطب را وادار به اندیشیدن در مورد موقعیت خود در برابر گزینه‌های ارائه‌شده می‌کند.

علاوه بر این، متن قرآن بسیار معتبر^۲ است و این حاصل چندین فرآیند مربوط به خود رجاعی است و در اینجا مجال پرداختن به آن را نداریم. قرآن کریم مقتدرانه مواضع مثبت و منفی را معرفی می‌کند، به‌علاوه مخاطب را هم وادار می‌کند که به اتخاذ موضع میان این دو گزینه بپردازد.

در این مرحله مخاطب باید انتخاب کند که کدام راه خیر یا شر را خواهد پیمود، در حقیقت این انتخاب الگوی رفتاری او را تشکیل می‌دهد. استفاده از واژگان بسیار پرمعنا در کلام سبب گردید که مخاطب به‌وضوح متوجه نشود که کدام مسیر بر خیر و کدام بر شر است. او بارها شنیده است که اهل خیر به بهشت می‌روند و اهل شر، با کراهت و اجبار به جهنم خواهند افتاد.

۷-۲. نقش «زوج واژگان تقابلی» در نظام خودارجاعی

3. A Compelling Discourse?

4. Authoritative

سخن به آنجا رسید که مخاطبان قرآن به اتخاذ موضع در برابر خیر و شر مجبور می‌شوند، اما متن از چه نوع رفتاری صحبت می‌کند؟ چه نوع رفتاری در این انتخاب قانع‌کننده دخیل است؟ در یک نگاه چنین به نظر می‌رسد که مراد از این موضع، مسائل اخلاقی است یعنی افراد باید خوب رفتار کنند و درستکار باشند و نه بدکار. اما اگر با نگاه موشکافانه‌تر، به مسأله بنگریم درمی‌یابیم که این خوش‌رفتاری در مقابل رفتار ناپسند ارتباط زیادی با رفتار فرد در مواجهه با قرآن دارد. این را می‌توان از حوزه‌های معنایی که در قسمت اول این مقاله توضیح دادم، به‌وضوح مشاهده کرد. یادکرد این نکته نیز اساسی است که بیان منشأ الهی قرآن با بیان صحت نبوت حضرت محمد(ص) برابر است. در منطق قرآن، اگر حضرت محمد(ص) پیامبر راستین است، آنچه را که نازل کرده، وحی از جانب خداوند است، و بالعکس، اگر واقعاً قرآن از جانب خدا آمده، حضرت محمد(ص) واقعاً پیامبر است. بنابراین، هر چیزی که متضمن نگرش مؤمن به نقش حضرت محمد(ص) است، متضمن نگرش او به مبدأ الهی قرآن است و بالعکس.

۱-۷-۲. هدایت قرآن برای جلوگیری از به‌گمراهی رفتن^۱

زوج واژه تقابلی «صراط مستقیم و به‌گمراهی رفتن» به‌طور گسترده در قرآن کریم برای بیان این حقیقت به‌کاررفته است که پیام انبیاء و خصوصاً حضرت محمد(ص)، هدایت مردم به صراط مستقیم بوده است. به‌عنوان نمونه در ابتدای قرآن و بسیاری از سوره‌ها تأکید بر این مسأله هستیم: «ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ»^۲ (بقره: ۲)؛ «طس تِلْكَ آيَاتُ الْقُرْآنِ وَ كِتَابٍ مُّبِينٍ (۱) هُدًى وَ بُشْرَى لِّلْمُؤْمِنِينَ (۲) الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَ هُمْ بِالْآخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ»^۳ (نمل: ۳).

در دیگر آیات نیز قرآن به‌مثابه راهنمایی‌کننده‌ای به صراط مستقیم معرفی شده است. برای مثال، جنیان^۴ به همتایان خود توضیح داده‌اند که قرآن ایشان را به راه راست و در جهت صحیح هدایت می‌کند.

1. The Qur'an's "Guidance" as Preventing "Going Astray"

۲. آن کتاب شکی در آن نیست که هدایت است برای پرهیزگاران.

۳. طاسین. آن آیت‌های قرآن و (آیت‌های) کتاب نمایان است (۱) راهنمونی و مژده برای ایمان آورندگان است (۲) آن کسانی

که نماز بها می‌دارند و زکات می‌پردازند و به زندگانی بازپسین یقین دارند.

2. Djinn

۲-۷-۲. قرآن به مثابه «نور» در مقابل «ظلمت»^۱

مبتنی بر زوج واژگان تقابلی نور و ظلمت، قرآن به عنوان نور معرفی گردیده است: «فَأَمِنُوا بِاللَّهِ وَ رَسُولِهِ وَ النُّورِ الَّذِي أَنْزَلْنَا وَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ»^۲ (التغابن: ۸)؛ «يَأْتِيهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُم بُرْهَانٌ مِّن رَّبِّكُمْ وَ أَنْزَلْنَا إِلَيْكُمْ نُورًا مُّبِينًا»^۳ (نساء: ۱۷۴).
علاوه بر آن خودش را نور مبین و روشنگر نیز معرفی کرده است: «وَ مَا عَلَّمْنَاهُ الشُّعْرَ وَ مَا يَنْبَغِي لَهُ إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ وَ فَزَّانٌ مُّبِينٌ»^۴ (یس: ۶۹).

باتوجه به تفسیر آیاتی که قرآن را «فرقان» معرفی می کنند؛ قرآن تمایز خیر و شر یا فاصله بین مؤمنان و کافران را مشخص می کند منظور آن است که قرآن آنچه را که انسان باید انجام دهد، روشن می کند.

۲-۷-۳. قرآن به عنوان موهبت الهی^۵

زوج واژگان تقابلی «ثواب و عقاب» نیز در گفتمان خودارجاعی بهتر فهم می شوند. قرآن کریم خودش را «رحمت» معرفی می کند که در واقع همان موهبت الهی توصیف شده است: «حَمِّ (۱) وَ الْكِتَابِ الْمُبِينِ (۲) إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ مُبْرَكَةٍ إِنَّا كُنَّا مُنذِرِينَ (۳) فِيهَا يُفْرَقُ كُلُّ أَمْرٍ حَكِيمٍ (۴) أَمْرًا مِّنْ عِنْدِنَا إِنَّا كُنَّا مُرْسِلِينَ (۵) رَحْمَةً مِّن رَّبِّكَ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ»^۶ (الدخان: ۶)؛ «الْم (۱) تِلْكَ آيَاتُ الْكِتَابِ الْحَكِيمِ (۲) هُدًى وَ رَحْمَةً لِّلْمُحْسِنِينَ (۳) الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَ هُمْ بِالْآخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ»^۷ (لقمان: ۴).

3. The Qur 'ān as "Light" Opposed to "Darkness"

۲. پس به خدا و پیامبرش و نوری که فرو فرستادیم ایمان آورید و بدانید خدا از آنچه می کنید آگاه است.

۳. هان ای آدمیان، اینک برهانی از جانب پروردگارتان به شما رسید و به سوی شما نوری تابان فرو فرستادیم.

۴. ما به او (محمد) شعر نیاموختیم و سزاوار او هم نیست، (آنچه او می آورد) جز پند و قرآن نمایان نیست.

7. The Qur 'ān as "Godsend"

۶. حامیم. (۱) سوگند به کتاب روشنگر (۲) که ما آن را در شبی مبارک نازل کردیم، زیرا که ما بیم دهنده هستیم. (۳) در آن شب هر امر استواری متمایز می گردد. (۴) امری که از جانب ماست، زیرا که ما فرستنده (پیام و پیامبر) هستیم. (۵) رحمتی است از پروردگار تو، زیرا که او شنوای داناست.

۷. الف، لام، میم. این آیات کتاب پر حکمت است، (۱) هدایت و رحمتی است برای نیکوکاران، (۲) آن کسان که نماز بر پا می دارند و زکات می دهند و در همان حال به آخرت یقین دارند. (۳) اینان هستند که بر راهنمایی پروردگارشانند و اینان هستند که رستگارند.

واژگان دیگری نیز برای توصیف قرآن به همان شکل مثبت، به عنوان چیزی نیکو و نجات بخش از سوی خداوند، به کار می رود، مانند «شِفَاء» یا «نِعْمَة»، و حتی در مورد واژه «فرقان» نیز این استدلال مطرح شده است که معنای فلاح و رستگاری دارد.^۱

۴-۷-۲. کتب مقدس خیرخواه جهانیان^۲

شایان ذکر است که قرآن به روشنی تصریح می کند که امر مثبت (عمل صالح) همان «توصیه کتب مقدس» است؛ در واقع واژه «کتاب»^۳ در متن قرآن به عنوان پیامی از جانب خداوند است که آن را بر پیامبری نازل می کند تا او به قومش ابلاغ نماید. قرآن و حتی تورات و تا حدی انجیل و سایر نوشته هایی که به اختصار ذکر شد، چنین است و از آنجاکه این کتب منشأ الهی دارند، از ارزیابی بسیار مثبت بهره می برند: متون کتب مقدس، آن کتب را در جنبه مثبت جهان بینی خود قرار می دهند و حتی به آنها قدرت مطلق^۴ اعطا می کند: زیرا آنها بیان خداوند یکتا، سرور همه، خالق و فرمان روای جهانیان است. زوج واژگان تقابلی در قرآن کریم نقش مستقیمی در خودارجاعی دارند. قرآن در بالاترین جایگاه مثبت در چهارچوب جهان بینی که متن می سازد قرار می گیرد.^۵

در هر زوج واژه یکی بارمعنایی مثبت و مقابل آن بار معنایی منفی دارد، از طرف دیگر همواره آن اصطلاحی که بار معنایی مثبت دارد و به نوعی خیرخواه می باشد به حق تعالی و قرآن منصوب است و بندگان را به سوی آن هدایت می کند، این خودش نوعی دلگرمی به افراد می دهد که تنها خالق و فرمان روا و در یک کلام همه کاره جهان و جهانیان پشتیبان ایشان است و در اینجا هم نقش کلیدی زوج واژگان تقابلی را در فهم معنای قرآن کریم درمی یابیم. در این وهله از سخن شایسته است که به یک پدیده بسیار جالب ناظر به استدلال و بلاغت قرآن اشاره گردد. در برخی مواضع متن به گونه ای عمل می کند که به طور ضمنی متون مقدس قبلی را هر زمان که با قرآن متفاوت باشد، رد می کند. متن موفق می شود این پیام را به مخاطب برساند که از میان تمام این کتاب هایی که دارای این جایگاه

۱. جفری معتقد است از نظر زبان شناسی میان فرقان و واژه آرامی مرتبط با آن به معنای رهایی یا رستگاری مطابقت بیشتری وجود دارد و کایگر حدس می زند که منشأ واژه عربی فرقان همین است (جفری: ۲۲۷) (مترجمان).

4. Scriptures on the Positive Side

5. Scripture (Kitāb)

6. Absolute Power

۵. مؤلف به این نکته مهم اشاره دارد که قرآن به مثابه متنی الهی جایگاه ویژه ای را در جهان بینی خود در نظر گرفته است در این بین زوج واژگان تقابلی قرآن کریم نقش اساسی و تعیین کننده ای در بیان این حقیقت دارند. اینجاست که رابطه بین زوج واژگان تقابلی و مفهوم خود ارجاعی را نزد مؤلف به خوبی فهم می شود (مترجمان).

والا هستند تنها قرآن حقیقت برتر است. فقط قرآن معتبر است اما متن به صورت مستقیم چنین نمی گوید حتی خلاف آن را بیان می کند (بقره: ۲۵۸). توضیح بیشتر آنکه وقتی لازم است با مراد آیات مخالفت شود، منتها لفظ دقیقی نمی توان برای آن پیدا نمود، از این قاعده بلاغی استفاده می شود و «زوج واژگان تقابلی» نیز به این قاعده بلاغی کمک نموده تا از دلالت التزامی کلام، مفهوم مورد نظر برداشت شود؛ حال چه بار معنایی مثبت و چه منفی داشته باشد. در چنین شرایطی است که نویسنده متقاعد می گردد تا از دلالت ضمنی^۱ استمداد جوید تا در سیاق شرطی یا فصلی مراد خود را به مخاطبان انتقال بدهد. برخی از آیات قرآن کریم مانند کوه یخ هستند: حجم اندکی دارند اما در مقام معنا و مفهوم دلالت بیشتری دارند. در حقیقت این دسته از آیات مخاطب را ناآگاهانه و به سرعت به معنای مدنظر خود منتقل می کنند، به طوری که حتی نیاز به اندیشیدن خاصی در معنا ندارند.

۵-۷-۲. ایمان یا کفر، تنها مواجهه محتمل نسبت به قرآن

در نتیجه آنچه از بررسی سه گروه اول زوج واژگان تقابلی نشان داده شد، روشن می شود که قرآن همان طور که انتظار می رود در جنبه مثبت قرار دارد. آخرین دسته هم که مطرح گردید، «ایمان در برابر کفر» است. با اندکی مطالعه دقیق تر، «کفر» در این سیاق به معنای نفی منشأ الهی پیام های نبوی است. در واقع زوج واژه تقابلی «ثواب و عقاب» هم در ذیل همین ساختار معنا می شود، یعنی نسبت به ایمان فرد به الهی بودن قرآن، او را ثواب یا عقاب می کنند. رفتار مخالفان، حکایت از متهم کردن قرآن به منشأ غیر الهی دارد، البته این تصور به شدت توسط قرآن رد شده است: «ثُمَّ تَوَلَّوْا عَنْهُ وَ قَالُوا مُعَلَّمٌ مَّجْنُونٌ (۱۴) إِنَّا كَاشِفُو الْعَذَابِ قَلِيلًا إِنَّكُمْ عَائِدُونَ (۱۵) يَوْمَ نَبْطِشُ الْبَطْشَةَ الْكُبْرَى إِنَّا مُنتَقِمُونَ»^۲ (الدخان: ۱۶)؛ «إِنْ هَذَا إِلَّا قَوْلُ الْبَشَرِ (۲۵) سَأُصْلِيهِ سَقَرَ»^۳ (المدثر: ۲۶).

این آیات اذعان دارند که اگر کسی منشأ قرآن را غیر الهی بداند قطعاً توسط خداوند عذاب خواهد شد. بر این اساس زوج واژگان تقابلی بدین نحو عمل می کنند که: تصدیق به نازل شدن قرآن از جانب خداوند (وجه مثبت) موجب اعطای ثواب است و نفی آن (وجه

2. Non-Dits (Unsaid, Unspoken Statements)

۲. پس، از او روی برتافتند و گفتند: «تعلیم یافته ای دیوانه است». (۱۴) ما این عذاب را اندکی از شما برمی داریم [ولی شما]

در حقیقت باز از سر می گیرید. (۱۵) روزی که دست به حمله می زنیم، همان حمله بزرگ؛ [آنگاه] ما انتقام کشنده ایم.

۳. این جز سخن آدمیان نیست. (۲۵) بزودی او را به «سقر» در افکنیم.

منفی) موجب عذاب می‌گردد. بنابراین زوج واژگان تقابلی نسبت به آخرت‌شناسی^۱ در ارتباط با این منشور و بیانیه^۲ که قرآن از جانب خداست یا خیر، به کار می‌رود. در بیانی مختصر: تمامی این حوزه‌های معنایی که توسط «زوج واژگان تقابلی» به دو بخش کلی تقسیم می‌شوند، در معرفی قرآن به عنوان پیامی نبوی از سوی خداوند نقش دارند، لذا در استدلالات قرآنی آنجا که بحث از حسن یا سوء رفتار می‌شود، رفتار انسان در برابر قرآن و رسالت محمدی (ص) از اهمیت بالایی برخوردار است. مخاطب در موقعیتی قرار می‌گیرد که از او خواسته می‌شود تا تنها یکی از این دو رفتار ممکن را انتخاب کند: یا می‌پذیرد که قرآن از جانب خداوند نازل شده و همچنین رسالت حضرت محمد (ص) را می‌پذیرد - سپس حجیت قرآن را در همه چیز قبول می‌کند و باید دستورات آن را عمل کند - یا بالعکس؛ نمی‌پذیرد. بنابراین او هرگونه قدرت یا حقیقتی را برای این متن انکار می‌کند و آموزه‌های آن را نادیده می‌گیرد. از آنجایی که دیدگاه متن این است که منکر منشأ الهی قرآن در جهنم مجازات می‌شود، انتخاب اقرار به الهی بودن منشأ قرآن بیش از حد انتظار به مخاطب پیشنهاد می‌شود.

«زوج واژگان تقابلی» تنها یکی از ابزارهای است که درک مخاطب از مفاهیم و پدیده - های قرآنی را تقویت می‌کند. گفتمان خودارجاعی نیز در متن قرآن مشهود است و از مجموعه پیچیده‌ای از استدلالات و ابزارهای بلاغی استفاده می‌کند. این شامل گفتمانی در مورد پدیده‌های وحیانی خود^۳ و وضعیتش به عنوان کتاب منزل^۴ و نقش آن در زندگی مخاطبان است. و اینجاست که سهم زوج واژگان تقابلی باید در نظر گرفته شود. به علاوه «زوج واژگان تقابلی»، در قرآن کریم از شیوه‌های مختلف بلاغی و شعری مانند تکرار صوت و... یا از تفسیرهای متن بر برخی از اجزای آن استفاده شده است. تمامی این ابزارها در متن استفاده می‌گردد تا مخاطب را متقاعد سازد تا به درک خاصی که از قرآن مدنظر است منتهی شود: فهمی که منتهی به ایمان گردد.

نتیجه‌گیری

نخستین نتیجه‌ای که از مطالعه واژگان قرآن کریم حاصل می‌شود عبارت از آن است که: بخش قابل توجهی از متن قرآن کریم درگیر مسأله «زوج واژگان تقابلی» است که گستره

3. Eschatology

4. Declaration/acknowledgement/statement

1. Its Revelatory Phenomena

2. Its Own Status as Revealed Scripture

وسیع آن توسط تعدادی از نمونه‌های کلیدی حوزه‌های معنایی نشان داده شد. نتیجه دوم شامل نحوه عملکرد زوج واژگان تقابلی در متن است. این یک ابزاری بسیار کارآمد است: استدلال و تصمیم‌گیری افراد را محدود در دو گزینه می‌کند آن‌چنان که در زبان رایانه اتفاق می‌افتد، جایی که تنها در دو حالت صفر و یک ممکن است و حالت سومی وجود ندارد. علاوه بر این، یک قضاوت ارزشی قوی را نیز بیان می‌دارد. مخاطب را وادار می‌سازد تا در مورد موقعیت و رفتار خود بیندیشد و به این فکر کند که در کدام یک از دو نگرش ممکن می‌گنجد. نتیجه سوم آنکه «زوج واژگان تقابلی» به اتخاذ موضع در مورد منشأ قرآن می‌انجامد: مخاطب اگر به الهی بودن منشأ قرآن ایمان بیاورد و خود را تسلیم دستورات آن کند، به سعادت رسیده است. اما اگر از این اعتقاد سر باز زند و به وحی الهی محمدی ایمان نیاورد، در آخرت مواخذه خواهد شد. در واقع مسأله «زوج واژگان تقابلی» شاهکاری بلاغی در متن قرآن کریم است و تعریف او نسبت به قرآن محور تمامی نتایج است. در این میان آنچه در خطر است، معرفی قرآن در ذهن مخاطب است: به عبارت دیگر، آنچه در خطر است، اقتدار انحصاری قرآن بر زندگی مخاطب است. در حقیقت زوج‌های واژگان تقابلی، گفتمان خودارجاعی در قرآن کریم را تقویت می‌کنند.

سخن پایانی به اهمیت مطالعه و پژوهش در استدلال و بلاغت می‌پردازد، هم در زمینه تبیین‌های معنایی قرآنی (چه به تصریح و چه به صورت ضمنی) و هم مواردی که در زمینه بیان استدلالات و تقویت آنها استفاده می‌شود. آنچه که گذشت «زوج واژگان تقابلی» واژگان قرآن کریم را بنابر نظر نویسنده آن به دو گروه متقابل تقسیم می‌کند که یک دسته بار معنایی منفی و دسته دیگر بار معنایی مثبت دارد. در نظر داشتن «غرض نویسنده» نیز می‌تواند به فهم کارکرد «زوج واژگان تقابلی» کمک نماید. در واقع آن دسته از پژوهش‌هایی که به پاسخ چنین مسائلی اهتمام دارند، در شمار امیدبخش‌ترین انواع مطالعات قرآنی قرار می‌گیرند.

منابع

۱. باعزم، محمد (۱۳۹۷). معنাকাوی واژه «کتاب» در خوداستنادی قرآن کریم؛ نقد روش‌شناسانه کتاب «قرآن به روایت قرآن» (پایان نامه کارشناسی ارشد). دانشگاه امام صادق علیه السلام، تهران، ایران.
۲. باعزم، محمد (۱۳۹۷). گفتمان خوداستنادی قرآن کریم در اندیشه آن - سیلوی بوالیو (معرفی کتاب (Le Coran par lui-m me)، فصلنامه آیین پژوهش، ۲۹(۱۱۳)، ۱۳۲-۱۲۵.
۳. باعزم، محمد (۱۳۹۷). خوداستنادی در قرآن کریم (چاپ اول). تهران: مناره.
4. wild, S. (2006). self-referentiality in the Quran», Harrassowitz Verlag, Wiesbaden, 1st Published
5. Boisliveau, A. (2014). «Self-referentiality in the Qur'anic Text: "Binarity" as a Rhetorical Tool», Al-BayĀn - Journal of Qur'Ān and Ḥadīth Studies, 74-55.